

سازمان نظام معلمی و مطالبات معلمان مجید علیپور

عضو شورای سازمان معلمان گیلان

چندسالی است که تعدادی از فعالان رسانه ای و تشکل های فرهنگی، با اشاره به فعالیت های نهادهایی چون نظام پزشکی، نظام پرستاری، نظام مهندسی و ... خواستار تاسیس سازمانی با عنوان "نظام معلمی" شده اند و گاه گاه آن را جزو مطالبات بر زمین مانده و ضروری فرهنگیان عنوان کرده؛ چنان درباره لزوم تاسیس و فعالیت آن قلم فرسایی و اغراق می کنند که گویی در مقایسه با آن، سایر مطالبات و اعتراضات فرهنگیان همچون رتبه بندی فرهنگیان و ... مسایلی خرد و پیش پا افتاده اند!؟

بدیهی است که نگارنده نیز مخالفی با تاسیس نهادی انتخابی، مستقل و حرفه ای که به نمایندگی از جامعه بزرگ معلمان بر نحوه استخدام و صلاحیت های حین کار، بررسی تخلفات، تولید محتوای آموزشی و ضمن خدمت و ... که به تفصیل در پیش نویس طرح تاسیس سازمان نظام معلمی آمده است ندارد هرچند هم اکنون نیز برای تک تک مواردی که به صورت کلی به عنوان اختیارات و وظایف این سازمان معرفی می شوند، بخش های مختلفی در آموزش و پرورش مشغول کارند و تقریباً وظیفه و مساله ناگفته ای در آن دیده نمی شود که هم اکنون صاحب متولی نباشد! اما ممکن است این ایراد به حق وارد شود که کار آموزش و پرورش به خود معلمان و دست اندرکاران انتخابی سپرده شود بهتر است یا تداوم وضعیت فعلی؟!!

طبیعی است که نمی توان مخالف اصل ایده بود اما نگارنده به دلایلی در تاسیس و شروع به کار این نهاد هم فایده ای متصور نیست. جدای از تجربه سخت و تلخ تاسیس و اداره تعاونی های فرهنگیان که نشان داد قدرت بی نظارت و تفویض اختیارات صرفاً از روی اعتماد، تا چه اندازه می تواند انسان های نجیب و بزرگ منشی چون معلمان را هم دچار فسادهای کلان و شگفت کند تا جایی که در بسیاری از موارد به ورشکستگی و تعطیلی طولانی مدت آن مراکز منجر شد (البته بررسی پیامدهای آن در مجال این یادداشت نیست) اما مهمتر از تجارب این چنینی، تجربه تاسیس نهادهای انتخابی در ساختار فعلی است.

متأسفانه طی سالیان اخیر «رد صلاحیت نامزدها» به اهرمی بسیار موثر در «مهندسی انتخابات» تبدیل شده است که از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس گرفته تا نهادهای کوچکتر و تخصصی چون نظام پزشکی، نظام پرستاری، نظام مهندسی و ... به قوت و گستردگی تمام به کار گرفته می

شود. حذف حداکثری رقبای جدی نهایتاً باعث می شود تا خروجی انتخابات چنان باب میل صاحبان قدرت باشد که تاثیر قابل ذکری در سیاست گذاری نهاد مورد نظر ایجاد نکند. در این میان حساسیت و اعتماد حاکمیت نسبت به نهاد آموزش و پرورش به مراتب بیشتر از نهادهایی چون بهداشت و درمان و ... است تا جایی که حتی حضور نهادی چون بهزیستی در حوزه آموزش پیش دبستانی را هم تحمل نکرد و حکم به یکپارچگی و نظارت تام و تمام بر ساختار و محتوای ارائه شده در آن داد.

با این مقدمه این حجم از خوش خیالی و ساده اندیشی این دسته از فعالان که در پی ایجاد "اداره ای جدید" علاوه بر دهها اداره و شعبه و مرکز دیگر در آموزش و پرورش هستند و برای آن قلم فرسایی می کنند جای شگفتی و سوال دارد!

سوال از اینکه سرنوشت طرح هایی چون سازمان دانش آموزی و مجلس دانش آموزی و سازمان های پژوهشی و ... به کجا انجامید که اکنون منتظر شق القمری از تاسیس نهاد جدید هستیم؟ حقیقت آنست که تا فرمان بر همین منوال و قلم بر همین سیاق می رود؛ تاسیس هر نهاد دیگری در این حوزه تنها به گستردگی و فربه شدن هرچه بیشتر این نظام سنگین و فشل و دامن زدن به بروکراسی موجود با خلق پست های اداری جدید، تعیین ردیف بودجه مستقل، گماردن چند اتوبوس کارشناس و رئیس و مدیرکل و ... در آن که از فرط بیکاری تنها در پی برگزاری جلسه و برپایی همایش و خلق طرح های نمایشی و پرکردن فرمها و گزارش های بی محتوا برای تلف کردن وقت در جلسات و برباد دادن همین بودجه های اندک نتیجه دیگری در بر نخواهد داشت. العاقل یکفی بالاشاره...

#اختصاصی سخن معلم